

Application of Selected Systemic Functional Linguistic Elements in Critical Discourse Analysis of Media: A Case Study of the News of Execution of 37 Saudi Subjects

Farhad Barati^{*}, Alireza Rasti^{}**

Abstract

Critical Discourse Analysis, which aims at uncovering the mediational role of language in (re)producing reality, employs such analytical tools as the resources of Systemic Functional Linguistics. This study has set out to introduce to the reader and deploy a selected set of the said tools, and has attempted to apply the two systems of Thematic Structure and Transitivity to a sample of journalistic texts. In keeping with this, an editorial from the Iranian daily Keyhan, dealing with the execution of 37 Saudi Shiite dissidents, has been selected and scrutinized. The findings showed that, from an Thematic Structure perspective, the author has rendered opaquely his/her intended message, that is, criticism of reactions to the above event. Furthermore, having strategically employed themes, he/she has tried to show that it has had precedents, and that it is contextualized in relation to other events supposedly requiring reactions. The Transitivity Analysis pointed to the fact that Saudi leaders have been mostly represented as actors in such material processes as committing atrocities, and that the 37 prisoners have been rendered as goals, that is at the receiving end of actions such as torture, crime, etc.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature, in Salman Farsi University of, Kazerun (Corresponding Author), fbarati58@gmail.com

** Assistant professor in Applied Linguistics Salman Farsi University of Kazerun, a.rasti@kazerunsfu.ac.ir

Date received: 2022/05/09, Date of acceptance: 2022/08/05



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۳۲ رسانه و فرهنگ، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

Keywords: Keyhan Daily, Systemic Functional Linguistics, Discourse Analysis, Critical Discourse Analysis

کاربست گزیده عناصر زبان‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل انتقادی گفتمان رسانه: مورد پژوهی خبر قتل ۳۷ تبعه سعودی

فرهاد براتی*

علیرضا راستی**

چکیده

تحلیل انتقادی گفتمان، که به عریان‌سازی نقش واسطه‌گری زبان در (باز)تولید واقعیت می‌پردازد، از ابزار تحلیلی از جمله منابع زبان‌شناسی نقش‌گرا بهره می‌جوید. در این پژوهش، که با هدف شناساندن و کاربرد گزیده‌ای از ابزار مزبور نگاشته شده است، کوشش شده تا دونظام آغازگری و گذرایی بر روی نمونه‌ای از متون مطبوعاتی پیاده‌شود. در این راستا سرمقاله‌ای از کیهان، که به قتل سی‌وهفت معترض شیعه دولت سعودی می‌پردازد، گزینش و تحلیل شده است. نتایج کاربرد نشان می‌دهند نویسنده از نقطه‌نظر آغازگری پیام مدنظر خود یعنی انتقاد از واکنش‌ها به رویداد را به صورتی زیرپوستی انتقال داده است. علاوه بر آن کوشیده آن را با استفاده از چینش راهبردی آغازگرها در متن مسوق به سابقه نشان و آن را در بافت متناسب با سایر رویدادهای به‌زعم وی نیازمند واکنش قرار دهد. تحلیل گذرایی حاکی است سران عربستان بیشتر در نقش کنش‌گر در فرایندهای مادی مربوط به ارتکاب جنایات، و سی‌وهفت زندانی در نقش کنش‌پذیر و دریافت‌کننده اقداماتی نظیر شکنجه، جنایت، و ... نمایانده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: روزنامه کیهان، زبان‌شناسی نقش‌گرا، تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی

* استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون (نویسنده مسئول)،
fbarati58@gmail.com

** استادیار زبان‌شناسی کاربردی دانشگاه سلمان فارسی کازرون، a.rasti@kazerunsfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

رسانه در دوران معاصر به شکل شتابنده‌ای به لحاظ کمی و کیفی رشد و توسعه پیدا کرده است و در واقع به گونه‌ای فراگیر، جزء لاینفک زندگی انسان کنونی قرار گرفته و حیات شخصی و اجتماعی وی را تحت الشعاع خود قرار داده است. این حضور فراگیر اما همراه با نقش‌های چندگانه و بعضاً کاملاً متعارض بوده است: از یک سو، رسانه به‌عنوان یکی از ستون‌های دموکراسی برشمرده و مورد اقبال و تحسین واقع شده است به طوری که حضور آن در جوامع به شفافیت بیشتر و بهینه‌ی عملکرد ساختارهای اجتماعی و سیاسی، و نیز آگاهی‌بخشی شهروندان نسبت به موضوعات و مسائل مبتلابه انجامیده است. از دیگر سو و به‌شکلی متعارض با دیدگاه نخست، رسانه به‌طور عام و گفتمان رسانه‌ای به‌طور خاص، به عنوان واسطه‌ای که نقش تسلط‌گرایانه (هژمونیک (Hegemonic)) و یا مشروعیت‌ز (De) Legitimatory)) دارد مورد بحث و کنکاش علمی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، به‌ویژه مطالعات رسانه، قرار گرفته است (اُت و مک (Ott & Mack)، ۲۰۲۰).

رسانه‌ها، به باور اُت و مک (۲۰۲۰)، می‌توانند به خاطر کارکرد واسطه‌گری خود هم چون سایر نهادها نقش جامعه‌پذیری ایفا کنند: منظور فرایندی است «که افراد طی آن - چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی - باورها، ارزش‌ها، و هنجارهای فرهنگی غالب جامعه را فرامی‌گیرند، می‌پذیرند، و درونی می‌سازند» (۲۰۲۰: ۱۳). این درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای غالب اجتماع اغلب نتیجه‌ی گزینشی عمل کردن رسانه‌هاست که هم می‌تواند ناگزیر و غیرارادی باشد و هم برخاسته از اراده آن‌ها در چینش و عرضه رویدادها به مخاطب به صورتی خاص و با هدفی راهبردی. در این میان نقش زبان به مثابه خمیرمایه‌ای که می‌تواند منجر به (باز)تولید، تثبیت، و پذیرش قرائت‌های خاصی از "واقعیت" مدنظر طبقه نخبگان سیاسی و قدرتمندان اجتماعی شود بسیار حائز اهمیت است و بایسته است بیشتر مورد توجه و کنکاش نظام‌مند واقع شود. رویکردهای زبان‌شناسانه به کارکرد به‌ویژه گفتمانی و هژمونیک رسانه، یکی از ابزار تحلیلی بسیار مهمی است که می‌تواند از نقش عقیدتی آن پرده بردارد و حتی منجر به کسب سواد رسانه‌ای بیشتر در سطح شهروندان شود.

۲. زبان‌شناسی نقش‌گرا

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند (Systemic Functional Linguistics (SFL)) هلیدی (Halliday) در کنار دو رهیافت دستور زایشی چامسکی (Chomsky) و پیروانش و نیز زبان‌شناسی شناختی سه پارادایم غالب در علم زبان‌شناسی معاصر به شمار می‌روند (دبیر مقدم، ۱۳۸۳). اعتبار‌پیدایی و توسعه رهیافت زبان‌شناسانه نقش‌گرا اغلب به هلیدی زبان‌شناس فقید بریتانیایی و تلاش‌های مشترک وی با همسر (فقید) پاکستانی‌اصلش، رقیه حسن، داده می‌شود. هلیدی، نظریه‌ای زبانی ارائه داده که برخلاف بسیاری از رویکردهای پیش از او به تحلیل زبان، که عمدتاً بافت‌گریز (Context-reduced) بودند، مشوق رویکرد بافت‌محور (Context-embedded) به زبان و مقوله‌های زبانی، به‌ویژه متون، است و زبان را نتیجه تعامل (و حتی تداخل) مجموعه‌ای از سلسله‌گزینش‌های زبانی موسوم به نظام‌ها (Systems) می‌داند. به باور نقش‌گرایان (اگینز (Eggins)، ۲۰۰۴)، انسان‌ها برای تولید متن (شفاهی یا کتبی) مورد نظر خود ذیل چنین نظام‌هایی در هر لحظه از سخن‌بازی خود متناسب با اهدافشان و بافتی که در آن هستند، که البته الزامات و قیود خاص خود را دارد، دست به انتخاب می‌زنند و ایجاد معنا می‌کنند.

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند حقیقتاً مصداق یک دیگرگونی پارادایمی (Paradigmatic shift) در علوم، آن‌چنان که شاخص‌های آن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی توماس کوهن (Kuhn) (۱۹۷۹) ذکر شده است، می‌باشد. این قسم از زبان‌شناسی، که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و روش‌شناسی مختص خود را توسعه داده، متشکل از مجموعه‌ای از اصول و روش‌هاست که به‌واسطه هم‌پوشانی و اشتراک بسیار، ذیل یک چتر نظری قرار می‌گیرند. چنین پارادایمی را می‌توان انقلابی (Revolutionary) نامید تا تکوینی (Evolutionary)، از این حیث که در واکنش به بعضی از ایرادات اساسی زبان‌شناسی صورت‌گرای چامسکی نظیر بافت‌گریز، جمله‌محور، و توصیفی‌بودن (دست کم در مراحل آغازین و میانی این‌گونه از زبان‌شناسی) شکل گرفت و در محیط‌های آکادمیک ریشه دواند و جا گرفت.

برای درک بهتر این که چنین تلقی از زبان‌شناسی چگونه عمل می‌کند بهتر است نگاهی به دو قید محدود و تفکیک‌کننده «نقش‌گرا» و «نظام‌مند» در عنوان مکتب زبان‌شناسی مذکور بیندازیم. زبان‌شناسی هلیدی بر این بنیاد استوار است که زبان و واحدهای تشکیل‌دهنده آن شامل متن و اجزای کوچک‌تر آن، (هم‌زمان) نقش‌های متفاوتی را ایفا و اهداف متعددی را

دنبال می‌کنند. برای نمونه، یک متن تبلیغاتی هم‌زمان ایفاگر نقش اطلاع‌رسانی و ترغیب و اقناع است. افراد دخیل در ساخت و تهیه انواع تبلیغات، متعاقب آن از میان نظام‌ها و زیر نظام‌های فراوان زبان (یعنی از مجموعه‌ای از انتخاب‌های مرتبط در عرض هم) متناسب با مقاصد خود و پیاده‌سازی راهبردهای مد نظر خود (نا)آگاهانه دست به یک سری گزینش‌ها می‌زنند.

در زندگی روزمره و تعاملات پیرامونی خود بارها با متون مختلف (شفاهی یا کتبی) مواجه می‌شویم که آن‌ها را به شکلی (نا)خودآگاه تعبیر و درک می‌کنیم بی آن که بدانیم چنین فرایند ذهنی ایجاد معنا که محرک و مسبب اصلی آن عمدتاً در درون آن متون نهفته است چگونه رخ می‌دهد. یکی از اساسی‌ترین مفروضاتی که رهیافت زبان‌شناسی نقش‌گرا بر آن استوار است این است که زبان به طور بالقوه توانایی خلق معنا را دارد. چنین توانایی، همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، از گزینش‌هایی نشأت می‌گیرد که زبان در اختیار گویشوران و سخنوران قرار می‌دهد تا به شکلی راهبردی از آن برای ایفای مقاصد پیدا و پنهان خود بهره‌برند. متون گفتاری و نوشتاری سخنوران، از دید نقش‌گرایان، نه تنها متشکل از زنجیره‌ای از ساخت‌هاست که به طور طولی (Syntagmatic) در پی هم می‌آیند، بلکه در هر واحد بند (Clause) مجموعه‌ای از انتخاب‌های عرضی (Paradigmatic) را در اختیار سخنور یا نویسنده قرار می‌دهند تا به منظور حداکثر میزان تأثیرگذاری بر محیط خود از آن‌ها استفاده کنند.

"اصطلاح «متن» به نمونه‌ای از (کاربرد) زبان، قطع نظر از ابزار بیان آن، اطلاق می‌شود که برای کسی که به آن زبان آشناست خلق معنا می‌کند" (هلیدی و متیسن (Halliday & Mathiessen) ۲۰۱۴: ۳). از دید هلیدی و متیسن (۲۰۱۴)، از متن هم‌چنین به "کاربرد زبان در بافت" تعبیر شده است: «زبان، در وهله اول، منبع خلق معناست؛ بنابراین، متن فرایند ایجاد معنا در بافت است» (۲۰۱۴: ۳). نقش‌گرایان از رهگذر کاربست نظام‌های زبان‌شناختی می‌کوشند به توصیف یا تبیین یا هم‌توصیف و تبیین سازوکار حاکم بر فرایند خلق حداکثری معنا که گویشوران و نویسندگان عادی آن را بدیهی می‌شمرند یا نسبت به آن بی‌توجهند پردازند. چنین رهیافتی از زبان‌شناسی، به‌ویژه در سطح تبیینی آن (و نه توصیفی)، به‌کرات در پژوهش‌های مربوط به رشته زبان‌شناسی کاربردی مورد استفاده قرار گرفته است

و از این حیث به سبب همین کاربردی بودن بر پژوهش‌های نظری که ماهیتی توصیفی دارند آشکارا ارجحیت دارد.

یکی دیگر از مفروضات این رویکرد که باعث شده نظام‌ها و مقولات آن به صورت ابزاری تحلیلی در تحلیل انتقادی گفتمان (Critical Discourse Analysis (CDA))، که هدف آن نشان دادن سازوکار زبانی ایجاد جهت‌گیری و سوگیری جانبدارانه (له یا علیه کسی یا چیزی) توسط زبان در مخاطبان است، به کار رود، این است که زبان صرفاً بازتابی از یک «حقیقت» نیست بلکه زبان با قابلیت خلق معنی «حقیقت» را مطابق مقصود، راهبرد، یا زاویه دید خالق متن می‌سازد و به آن سمت و سو می‌دهد. این گونه است که زبان می‌تواند در رسانه‌هایی که جهت‌گیری‌های سیاسی یا عقیدتی بخصوصی دارند افکار عمومی یا مخاطب هدف را شکل دهد و آن‌ها را نسبت به موضوعی به شکلی علی‌القاعده غیرضرور حساس سازد یا از موضوعی که باید به آن توجه شود حساسیت‌زدایی کند.

۳. پیشینه پژوهش

در ایران برخلاف محیط بین‌الملل، که مطالعات بسیاری با محوریت کاربست مقوله‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل انتقادی گفتمان‌ها به طور عام و گفتمان رسانه‌ای به طور خاص صورت گرفته است (لیانگ و شین (Liang & Shin)، ۲۰۱۹؛ لیهوا (Lihua)، ۲۰۰۹؛ مارتنی (Martni)، ۲۰۰۵؛ یانگ و هریسون (Young & Harrison)، ۲۰۰۴)، مطالعات اندکی در این زمینه انجام شده است (آقاگل زاده و دهقان، ۱۳۹۳؛ احمدی پور، حافظ‌نیا، و جنیدی، ۱۳۸۹).

جدا از پراکنده بودن پژوهش‌های انجام شده در ایران، ایراد دیگری که به آن‌ها وارد است این است که اصولاً بسیاری از آن‌ها، آن چنان که باید، از عمق کافی برخوردار نیستند و رسانه را با یک رویکرد منسجم زبان‌شناسانه و با محوریت نقش میانجی‌گری زبان در (باز)تولید گفتمانی بررسی نمی‌کنند. یکی از معدود مطالعاتی که صرفاً با رویکردی نقش‌گرایانه به تحلیل گفتمان رسانه‌ای می‌پردازد مطالعه انجام شده توسط رضاپور (۱۳۹۴) است. وی در جستار خود به بررسی ماهیت و نقش استعاره دستوری، که مفهومی است که در زبان‌شناسی نقش‌گرا استعمال می‌شود، در گفتمان سیاسی روزنامه‌های ایرانی، به طور

خاص دو روزنامه شرق و رسالت، پرداخت و در یافته‌های خود به این نتیجه رسید که اساساً استعاره‌های دستوری کارکرد برجسته‌سازی گفتمانی دارند.

در تحلیلی کلی می‌توان چنین اظهار داشت که عمده کاربست‌های منابع و نظام‌های خلق معنا در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی معطوف به آثار ادبی بوده است (آقا گل زاده، کرد زعفرانلو کامبوزیا، و رضویان، ۱۳۹۰؛ پهلوانی، تشکری، و امامی، ۱۳۹۹؛ ستاری و حقیقی، ۱۳۹۵)، و عمدتاً چنین کاربستی انتقادی نبوده است، یعنی به منظور استخراج ایدئولوژی‌های نهفته در متون صورت نگرفته است.

شماری از پژوهش‌های صورت گرفته در فارسی، دستور زبان فارسی را با رویکرد نقش‌گرایانه و مفاهیم و نظام‌های آن مورد کنکاش قرار داده‌اند. از جمله چنین مطالعاتی می‌توان به قانع و رضایی (۱۳۹۷) اشاره نمود که به بررسی تناوب زمانی در افعال گذاشتنی فارسی پرداخته‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که چنین ساختی در همه ساخت‌های موجود فارسی رؤیت نمی‌شود. معزی پور (۱۳۹۸) نیز با اتخاذ رهیافتی نقش‌گرایانه به پدیده دوگان‌سازی واژبستی مفعول در زبان فارسی پرداخته است.

آن چه می‌تواند وجه نوآورانه مطالعه فعلی به شمار رود، این است که کوشیده با کاربرد گزیده‌ای از مقوله‌های تحلیلی زبان‌شناسی نقش‌گرا از سطح توصیفی صرف خارج شده و به تبیین عملی کارکرد چنین مقوله‌ها و عناصری در عریان‌سازی نابرابری‌های برآمده از نقش‌گفتمانی زبان در گفتمان رسانه‌ای بپردازد. در این راستا کوشش شده دو نظام زبان‌شناسی نقش‌گرا در کلیت خود در جهت آشکارسازی نقش زبان در ایجاد، حفظ، یا بازتولید جهت‌گیری‌های سیاسی بر روی یک نمونه از متون رسانه‌ای یعنی سرمقاله‌ها پیاده شود. بدین منظور، جهت نشان‌دادن چنین کاربستی، یکی از سرمقاله‌های روزنامه پرنفوذ کیهان، که به موضوع بازتاب قتل سی و هفت معارض شیعه نظام سیاسی عربستان اختصاص دارد، گزینش و موردتحلیل واقع شده است. به طور کلی پرسشی که این جستار در پی پاسخ‌دهی به آن برآمده این است:

- کاربست گزیده نظام‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا (نظام آغازگری و گذرایی) بر روی نمونه‌ای از متون مطبوعاتی (سرمقاله کیهان)، چگونه در سطحی که برای خواننده عادی پنهان است، سازوکار مورد استفاده نویسنده متن در ساخت، پروراندن، و عرضه پیام مدنظر خود را می‌نمایاند؟

۴. روش پژوهش

واحد تجزیه و تحلیل در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، بند (Clause) است. بند، واحدی زبانی است که در آن (کمابیش) سه گونه فرانتش (Metafiction)، یا سطح معنایی، متجلی می‌شود: فرانتش اندیشگانی (Ideational)، بین‌فردی (Interpersonal)، و متنی (Textual). فرانتش اندیشگانی ناظر به این است که زبان تجارب ما را از جهان (بیرون و درونمان) یا گونه‌ای ترکیب این دو) باز می‌نمایاند. به‌عنوان مثال، در بند زیر، تجربه نادر از دنیای پیرامون خود به تصویر کشیده شده است:

- نادر گام‌هایش را استوارتر از قبل بر می‌داشت.

و در بند زیر تجربه ذهنی احمد به تصویر کشیده شده است:

- احمد اغلب هم‌کلاسی‌های خود را دشمن فرض می‌کرد.

پس در فرانتش یا سطح معنایی اندیشگانی زبان ابزاری است در جهت بیان و نشان دادن حالات، کنش‌ها، و واکنش‌های شرکت‌کننده‌های (انسانی یا غیرانسانی) در دنیای درون یا برون ذهن. این فرانتش در متن از طریق نظام (System) گذرایی (Transitivity) محقق می‌شود. در نظام گذرایی، ادراک (Construing) یا بازنمایی تجارب درونی یا برونی، از طریق مشارکان (Participants) (عبارت اسمی که نقش فاعل یا مفعول در مباحث دستور سنتی ایفا می‌کند)، فرایندها (Processes) (عبارت فعلی)، و شرایط (Circumstantial) (عبارت قیدی یا مفعول حرف اضافه) صورت می‌پذیرد. برای روشن شدن هر چه بیشتر مطلب، در متن کوتاه ساختگی زیر مشارکان با (م)، فرایندها با (ف)، و شرایط با (ش) مشخص شده‌اند:

رضا (مشارک/عبارت اسمی) برای نشان دادن خشم خود (شرایط/عبارت حرف اضافه) لیوان (مشارک/عبارت اسمی) را محکم (شرایط/عبارت قیدی) به دیوار کوبید (فرایند/عبارت فعلی). غرو لندی کرد (فرایند/عبارت فعلی) و از خانه (شرایط/عبارت حرف اضافه) زد بیرون (فرایند/عبارت فعلی).

فرانتش دوم یعنی فرانتش بین‌فردی، همان‌طور که از نامش پیداست، قائل به این نکته است که زبان برای ایجاد ارتباط میان افراد و نشان دادن هویت آن‌هاست. این لایه معنایی که دوشادوش دو سطح دیگر عمل می‌کند به واسطه نظام وجه (Mood) در متن محقق می‌شود. و نهایتاً فرانتش متنی به این موضوع می‌پردازد که بند، به عنوان محمل پیام، چگونه به

تنهایی و نیز در ارتباط با سایر بندهای یک متن عمل می‌کند. فرانش متن در قالب نظام ساخت آغازگری بند (Thematic structure) و عناصر انسجام متن (Cohesive devices) بروز و نمود می‌یابد.

در ادامه جهت نشان‌دادن کاربست عناصر و ابزار تحلیلی زبان شناسی نقش‌گرا در تحلیل انتقادی گفتمان، که به آشکارسازی نقش زبان در ایجاد و ارائه جهت‌گیری‌های خاص اصحاب قدرت دارای تربیون به طور عام و اصحاب رسانه به طور خاص می‌پردازد، دو زیر نظام ساخت آغازگری و زیر نظام گذرایی به اختصار معرفی و نحوه کارکرد آن در کنار زدن لایه‌های (نا)خودآگاه عقیدتی متن با کاربست بر سرمقاله روزنامه کیهان در رابطه با خبر قتل ۳۷ معارض سعودی تبار توسط حاکمیت این کشور پرداخته می‌شود. مضاف بر آن، پرسش مطرح شده در جستار فعلی پاسخ داده می‌شود. پیش از آن اما و به منظور بافت‌گرا نمودن کاربست چارچوب زبان‌شناسانه فوق به نمونه داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، که ابزاری است که توسط تحلیل‌گران انتقادی متن به‌کار می‌رود، توضیحی مختصر پیرامون ماهیت تحلیل انتقادی گفتمان در علوم انسانی و اجتماعی ارائه خواهد شد.

۵. تحلیل انتقادی گفتمان

تحلیل انتقادی گفتمان اصطلاحی است فراگیر و جامع که به مجموعه رویکردهای متنوع زبان‌شناسانه به توصیف و تبیین کارکرد گفتمانی و ایدئولوژیک زبان در مناسبات افراد و گروه‌ها می‌پردازد. چنین رویکردی به نابرابری‌های برخاسته از کاربرد زبان در اجتماع و عیان‌سازی نقش گفتمان در این رابطه می‌پردازد. تحلیل انتقادی گفتمان، که اغلب با کوه نوشت آن یعنی سی دی ای (CDA) شناخته می‌شود، طبق اظهار فلاوردو و ریچاردسون (Flowerdew & Richardson) (۲۰۱۸) «مسأله‌محور (یعنی نقطه مقابل نظریه‌محور) است و می‌کوشد و جوه پنهان کاربرد زبان را عریان سازد...» (ص. ۱).

مؤلفه حائز اهمیت دیگر تحلیل انتقادی گفتمان این است پژوهشگران این عرصه خود را از نقطه‌نظر اجتماعی متعهد می‌بینند؛ بدین معنا که می‌کوشند در پژوهش‌ها و تحلیل‌های خود نشان دهند زبان مورد استفاده یا مورد اقبال صاحبان گفتمان‌های مسلط چگونه افراد و گروه‌های به‌حاشیه‌رانده نظیر زنان، مهاجران، رنگین‌پوستان، دیگران‌دیشان، و ... را در بعضی جوامع در معرض تعصب یا نابرابری‌های اجتماعی قرار می‌دهند. چنین گفتمان‌های غالب و

هژمونیک «به جای صرفاً بازتاب واقعیت‌های اجتماعی، ... در حقیقت دنیا و مناسبات اجتماعی را (باز) تولید می‌کنند» (فلاوردو و ریچاردسون، ص. ۲).

تحلیل انتقادی گفتمان صرفاً یک روش پژوهش واحد نیست، بلکه مجموعه و حتی بعضاً آمیزه‌ای از کاربردهای زبان‌شناسانه و منابع زبانی گوناگون به تحلیل متن و گفتار است که به آشکارسازی مناسبات نامتقارن میان افراد و نهادها و گروه‌ها می‌پردازد. موضوعاتی نظیر ایدئولوژی، قدرت، مشروعیت‌ز(د)ایی، اجماع‌سازی، دیگری‌سازی (Othering)، و ... ذیل برنامه کاری تحلیل‌گران متن در این رهیافت قرار می‌گیرد. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از منابع زبانی که در سطح بین‌الملل بسیار مورد استفاده این تحلیل‌گران واقع شده است، نظام‌ها و زیرنظام‌های مکتب زبان‌شناسی نقش‌گرا (فلاوردو و ریچاردسون، ۲۰۱۸؛ هارت و کپ، ۲۰۲۰) می‌باشد.

۶. تشریح عملکرد ساختار آغازگری متن در سرمقاله کیهان

ساختار فوق که از دو مقوله آغازگر (Theme) و پایان‌بخش (Rheme) بند تشکیل می‌شود ناظر بر این است که کلیت پیام در یک متن چگونه و به چه ترتیبی و با چه اولویت‌بندی بخصوصی در سراسر متن سازمان‌دهی می‌شود و متن بر چه جنبه یا جنبه‌هایی از پیام تأکید می‌گذارد. تحلیل قاعده‌مند ساخت آغازگری متون هم‌چنین نشان می‌دهد پیام چگونه بر مخاطب عرضه می‌شود و به تبع آن جریان القای کلیت پیام چگونه حادث می‌شود.

آغازگر، همان‌طور که از برابرنهاد فارسی آن بر می‌آید، عنصری از بند است که در ابتدای آن واقع می‌شود و توسط بقیه بند باز و تشریح می‌شود. هر آغازگر در پیوند با سایر آغازگرهای یک متن دست خواننده را می‌گیرند تا موفق به درک و برداشت پیام کلی متن شود و جریان پیشبرد پیام‌رسانی آن را تسهیل می‌سازد. با مطالعه و بررسی تعداد و نوع آغازگرهای یک متن می‌توان پی برد تولید‌کننده متن در پی برجسته‌نمایی چه جنبه یا جنبه‌هایی از پیام بوده که از طریق قرار دادن آن‌ها در جایگاه آغازین بند خواسته توجه خواننده یا شنونده را بدان‌ها معطوف سازد.

از منظر هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۳)، نقش آغازگرها این است که «متن را سامان‌دهی کرده به پیش می‌برند». نکته دیگر این که آغازگر «برای خود بند زمینه‌چینی می‌کند و آن را در پیوند با متن در حال باز و آشکار شدن قرار می‌دهد» (ص. ۹). برای تشخیص آغازگر

باید به این نکته توجه نمود که در زبان‌هایی مثل فارسی و انگلیسی، نخستین عبارت یا گروه دستوری که نقشی در ساختار تجربی بند دارد، یعنی یا به عنوان مشارک، یا فرایند، و یا شرایط (که پیش‌تر با مثال توضیح داده شد) عمل می‌کند، آغازگر است:

- در زمستان (شرایط) بود که لیموها (مشارک) شکوفه کردند.

- بین (فرایند) اون ابرها رو.

از یک منظر، آغازگرها به سه دسته موضوعی (Topical)، بین‌فردی (Interpersonal)، و متنی (Textual) تقسیم می‌شوند. آغازگرهایی که نقش مشارک، فرایند، و یا شرایط را دارند موضوعی به شمار می‌روند. آغازگرهای بین‌فردی، بیان‌گر نگرش و دیدگاه مشارک یا مشارکان نسبت به کسی یا موضوعی هستند و آغازگرهای متنی، بندها را به هم پیوند می‌دهند. در زیر نمونه‌هایی از هر سه نوع آغازگر آمده است:

- مرحبا (آغازگر بین‌فردی) که آغازگر متنی (تو) آغازگر موضوعی گل کاشتی.

بعد از توضیح مختصر و ارائه مثال برای ساخت آغازگری در زبان فارسی، در ادامه به شناسایی و تبیین عملکرد گفتمانی آغازگرها در سرمقاله کیهان پرداخته شده است:

"وحشتناک بود". هم نحوه قتل دسته جمعی آن شهروند مظلوم عربستانی توسط رژیم عصر حجری سعودی، هم نحوه واکنش‌ها به این قتل عام. وقتی «جمال خاشقجی» خبرنگار منتقد و هوادار! سعودی به قتل رسید، واکنش‌ها زیاد بود. خیلی زیاد. در پرونده خاشقجی فشارها علیه این رژیم از سراسر دنیا آنقدر زیاد شد که زمزمه برکناری «بن سلمان» ولیعهد سعودی بر سر زبان‌ها افتاد. کنگره آمریکا برای حفظ ظاهر هم که شده جلساتی را علیه سعودی تشکیل داد. اتحادیه اروپا وارد میدان شد و از آب گل‌آلود، ماهی خود را گرفت. بحث خروج آمریکا از جنگ یمن مطرح شد و عده‌ای حتی گفتند، بن سلمان با این حماقت گور خود را کند. پرونده خاشقجی آنقدر برجسته شد که در تاکسی و اتوبوس هم می‌شد، بحث میان مردم در این باره را شنید! و برخی از کارشناسان بین‌المللی در روزنامه‌های شناخته‌شده نوشتند، قتل خاشقجی برای آل سعود گران‌تر از جنگ یمن تمام می‌شود! (نقل به مضمون).

اگرچه غرب با نیم‌نگاهی به دلارهای سعودی و کارکردی که این رژیم برای طرح مقابله با ایران‌شان دارد، ضمن «فرسایشی کردن» برخورد با سعودی، پرونده خاشقجی را مشمول

«مرور زمان» کرد و از میزان حساسیت‌ها کاست تا بن سلمان موقتا نجات پیدا کند اما، این فشارها و افشاگری‌ها به اندازه‌ای که باید، کار خود را کرد و دست‌کم، اصلاحات نمایشی او را که برخی اصلاح‌طلبان در کشور خودمان آن را بر سر جمهوری اسلامی می‌کوبیدند «هوا» و بن سلمان و اصلاح‌طلبان را با هم «رسوا» کرد، اما درباره این ۳۷ نفر، واکنش‌ها آن‌قدر ضعیف بود که، مظلومیت آنها را دوچندان کرد. چه در داخل چه در خارج!

در مظلومیت این ۳۷ نفر همین بس که تنها، چند رسانه و جریان شیعه در عراق، لبنان، بحرین و... علیه آن موضع گرفتند. حتی موضع دولت خودمان علیه این جنایت «متناسب» نبود. انگار نه انگار ۳۷ انسان در سال ۲۰۱۹ بلا تشبیه مثل گوسفند ردیف و ذبح شده و برخی نیز بدون سر به صلیب کشیده شده‌اند. ۳۳ نفر از آنها شیعه بودند. از طلبه بگیر تا دانش‌آموز در میانشان بود. آن‌طور که بررسی‌های سی‌ان‌ان نشان می‌دهد، محاکمه نمایشی ۲۵ نفر از این شهدا که سال ۲۰۱۶ برگزار شده، بیش از ۳ روز طول نکشیده است. ۱۱ نفرشان را به ایران چسبانده‌اند، ۱۴ نفرشان را به گروه‌های تروریستی آن هم صرفاً به این دلیل که در شهر شیعه‌نشین عوامیه در راهپیمایی شرکت کرده بودند. بله درست شنیدید، در عربستان، متحد استراتژیک غرب به خاطر شرکت در راهپیمایی، سر می‌برند! اما همین عربستان در سازمان ملل می‌شود، رئیس‌یکی از کرسی‌های مهم حقوق بشر! سی‌ان‌ان حتی می‌گوید، اسنادی به دست آورده که نشان می‌دهد، این عده بلااستثناء شکنجه شده و وادار به انگشت زدن پای برگه‌ای شده‌اند که نمی‌دانستند در آن چه نوشته شده است! اعترافات را هم خود شکنجه‌کننده‌ها نوشته بودند! به گفته مفسر سیاسی این شبکه تلویزیونی «این اقدامات وحشت‌آور، قرون وسطایی و وحشیانه است، ما درباره فرقه مرگ داعش صحبت می‌کنیم، اعدام‌هایی که ما در عربستان می‌بینیم هیچ فرقی با اعدام‌های داعش ندارد».

چرا واکنش‌ها به قتل خاشقجی بیش از حد گسترده می‌شود اما قتل این ۳۷ نفر پرنس نمی‌شود؟ چرا وقتی یک دختر نوجوان خام در ایران پس از احضار شدن به خاطر یک حماقت‌گریه می‌کند، این همه سر و صدا می‌شود و کنگره آمریکا برای بررسی آن جلسه تشکیل می‌دهد اما وقتی مثلاً مصر در یک شب حکم اعدام ۳۰۰۰ نفر را صادر می‌کند، آب از آب تکان نمی‌خورد؟ راستی این همه مراکز حقوق بشر کجا هستند؟ چرا هیچ کس برای بررسی جنایت سعودی‌ها تشکیل جلسه نمی‌دهد؟ پاسخ روشن است. بخوانید:

قانون حاکم بر دنیا، قانون جنگل است. در چنین دنیایی هر کس قوی تر بود یا نه قوی نبود اما پول داشت، با قدرت‌ها ارتباط داشت، برای قدرت‌ها نوکری کرد، برای ارتکاب هر جنایتی آزاد است! ولو بریدن سر ۳۷ انسان بی‌گناه، اعلام رسمی خبر آن و انتشار تصاویر بدن بدون سر و به صلیب کشیده شده آنها!

قدرت‌ها که نویسندگان این قانون هستند انگار، دو جور قانون نوشته‌اند. بسته به اینکه چه کسی مرتکب جنایت می‌شود، یکی از این قانون‌ها به کار گرفته می‌شود. به این شکل که پس از وقوع اتفاق (اینجا قتل ۳۷ نفر) ابتدا نگاه می‌کنند، عامل جنایت کیست؟ بعد تصمیم می‌گیرند نوع قانون را انتخاب می‌کنند. اگر متهم متحدشان بود، با یک موضع شفاهی به غائله خاتمه می‌دهند. مگر ترامپ نگفت بن سلمان گاو شیرده اوست؟! اروپا هم همین‌طور است. به قراردادهای تجاری که با این گاو شیرده بسته نگاه می‌کند. مگر وزیر دفاع مستعفی انگلیس سال گذشته در جلسه پارلمان این کشور نگفت، از وضعیت حقوق بشر عربستان انتقاد نکنید، ما به پول این کشور نیاز داریم!

حال تصورش را بکنید، در چنین دنیایی عده‌ای تازه یادشان می‌افتد، باید بر اساس قوانین و چارچوب‌هایی حرکت کرد که آنها نوشته‌اند. اسم آن را هم گذاشته‌اند «عقلانیت» و «چارچوب‌های بین‌الملل». «مخالفان را هم «بی‌سواد» می‌نامند. آیا دشمن با شنیدن چنین مواضعی، به ریش آنها نمی‌خندد؟ البته اگر عوامل آنها نباشند! پاسخ دیگر در «رسانه» است. رسانه قدرتمند است و می‌تواند جریان‌سازی کرده و رژیم‌های در مختصات سعودی را از تکرار چنین جنایاتی پشیمان کند. غرب با استفاده از همین ابزار قدرتمند است که، بزرگ‌ترین جنایت‌ها را مرتکب می‌شود، میلیون‌ها انسان را در یمن، سوریه، افغانستان به خاک و خون می‌کشند اما طوری القاء می‌کند که انگار، این مردم و کودکان یمنی هستند که در حال کشتن نظامیان سعودی هستند! اگر لازم باشد علیه جنایتکارها هم وارد شده پس از گرفتن حق حساب، با همین ابزار رسانه موضوع را فیصله می‌دهند.

چه خوشمان بیاید چه نه، رسانه امروز در دست دشمن است. به وضعیت رسانه‌ها در داخل کشور دقت کنید که چگونه شبکه‌های اجتماعی خارجی در کشور جولان می‌دهند. چگونه از برخی تریبون‌ها همان صدای دشمن بیرون می‌آید. عده‌ای ساده لوح یا مغرض هم با حمله به رسانه‌های خودی یا به طرح‌های بومی‌سازی اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسان داخلی، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. بگذریم....

غرض اینکه درباره جنایت جدید سعودی‌ها از کشورهای غربی و شرقی غیرمسلمان انتظاری نیست اما از رسانه‌های داخلی چرا واکنش رسانه‌های داخلی به چنین جنایتی «متناسب» نبود، همین‌طور واکنش مسئولین کشور. (کیهان، مورخ یکشنبه هشت اردیبهشت ۱۳۹۸)

در متن فوق که "پیام" آن حاوی اطلاعاتی پیرامون گردن زدن ۳۷ تبعه عربستان توسط حکومت پادشاهی سعودی، که بیشتر آن‌ها را طبق گزارش‌ها شیعیان تشکیل می‌دادند، است پاراگراف اول و دوم، این رویداد برجسته خبری را عمدتاً با اشاراتی به قضیه قتل دهشتناک جمال خاشقجی منتقد خارج‌نشین سعودی هیأت حاکمه عربستان در ترکیه به پیش می‌برد. هدف از کاربرد آغازگرهایی با محوریت پرونده خاشقجی و واکنش‌ها پیرامون آن این است که نویسنده با اتخاذ راهبرد مسبوق به سابقه خواندن اقدامات سعودی‌ها در زمینه قتل دیگراندیشان و معارضان و مخالفان، رخداد کنونی را در بافت حوادث قبلی قرار دهند و به عبارتی زمینه‌سازی برای وقایع جدید نظیر قتل ۳۷ نفر معارض سعودی نماید.

این گونه است که "پیام" متن به تدریج باز و آشکار می‌شود و به عبارتی از آن پرده برداری می‌شود. در پاراگراف سه، تأکید و تمرکز انتقال پیام اطلاعاتی متن، بر مقتولان حوادث قرار می‌گیرد بدین صورت که متن، اطلاعاتی ریز و جزئی عمدتاً در مورد ماهیت افرادی که توسط سعودی‌ها گردن زده شده‌اند به خواننده می‌دهد. وجود این سرنخ‌ها که در آغازگرها نمود و بروز می‌یابد به تعبیر هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) دست خواننده را می‌گیرد و، پس از آشنا ساختن ذهن وی با حوادث مشابه رخ داده مسبوق به سابقه، خواننده را به رخداد زمان حال می‌آورد که ابعاد آن از اتفاقات گذشته بسیار بیشتر و بزرگ‌تر است. نه آغازگر از مجموع پانزده آغازگر متنی موجود در پاراگراف سه معطوف به این ۳۷ نفر قربانی است؛ رویه ای که پیش‌تر و در دو آغازگر پایانی پاراگراف دو شروع می‌شود. در این قسمت وجود آغازگرهای بین‌فردی، نظیر "حتی"، "انگار نه انگار"، و "بله"، بر بار نگرشی پیام می‌افزاید و سعی در القای تفکر نویسنده به خواننده دارد. آغازگرهای متن هم، آهنگ شرح و بسط پیام متن را بیشتر می‌کند و به حس اضطراری که نویسنده سعی در القای آن دارد می‌افزاید.

از آن جا که ادامه متن سمت و سویی متقاعدکننده و القامیز را در پیش می‌گیرد، سعی در این دارد خواننده را به مسیری گسیل‌بدارد که به همان نتیجه‌ای برسد که نویسنده سعی

در القای آن دارد. یعنی این که جدا از به زعم نویسنده کوتاهی و قصور مجامع بین‌المللی که حضور پررنگی در عمده آغازگرهای موضوعی دارند در پرداختن به موضوع، رسانه‌های خارجی و خصوصاً داخلی هم به اندازه و شدت کافی بر روی قضیه مانور نداده‌اند. هم چنان نقش آغازگرهای بین‌فردی که در مابقی متن پراکنده است و تقریباً از اواسط متن که نویسنده سعی در القای نکته مدنظر خویش دارد وارد متن می‌شوند نقشی نگرشی و تأکیدی و در عین حال عاطفی در پیشبرد بار اطلاعاتی متن است و آغازگرهای متنی آهنگ متن را هم چنان حفظ می‌کنند و خواننده‌ی همراه با متن را به حال خود رها نمی‌کنند تا مبادا نتواند از اقناع شدن شانه خالی کند.

همان‌طور که تحلیل ساخت آغازگری متن فوق نشان می‌دهد گزینش نوع و بسامد آغازگرهای بخصوص، جدا از این که پیام اطلاعاتی متن را می‌شکافند و پیش می‌برند چون در نقطه کانونی متن قرار دارند ذهن خواننده را معطوف نکات و مطالبی می‌کند که سعی در تثبیت و برجسته‌نمایی آن دارد..

۷. تشریح کاربرد نظام گذرایی در بازنمایی کنش‌گران و اقدامات آنان

فرانکش اندیشگانی از طریق استفاده گوینده یا نویسنده از منابع نظام گذرایی تحقق می‌یابد. طبق این نظام، هر بند از نوعی فرایند، که توسط یک گروه فعلی تحقق می‌یابد، و یک یا بیشتر مشارک، که از طریق گروه اسمی محقق می‌شود، تشکیل شده است. به‌علاوه، بعضی بندها حاوی یک یا بیشتر گروه قیدی یا حرف‌اضافه‌ای موسوم به شرایط می‌باشند. در مثال زیر سه جزء مشارک، فرایند، و شرایط مشخص شده‌اند:

- در دسامبر همان سال ادوارد به‌طرز اسرارآمیزی به قتل رسید.

(شرایط) (مشارک) (شرایط) (فرایند)

فرایندها شامل چهار فرایند اصلی مادی (Material)، ذهنی (Mental)، گفتاری (Verbal)، رابطه‌ای (Relational)، و دو فرایند فرعی و کم‌بسامدتر رفتاری (Behavioral) و وجودی (Existential) هستند. در زیر، توضیح مختصری راجع به اقسام فرایندهای گفتمان انگلیسی، که در فارسی هم کاربرد و بسامد دارد، آمده است:

- فرایند مادی: ناظر به بیان تجارب ما در تعامل با جهان بیرون است. این فرایندها نشان دهنده کارهایی است که انجام می‌دهیم یا اموری که برایمان رخ می‌دهد.

مشارکی که کاری انجام می‌دهد، قطع‌نظر از انسان بودن یا نبودن، کنش‌گر (Actor) و مشارکی که امری یا رویدادی بر او حادث می‌شود کنش‌پذیر (Goal) خوانده می‌شود.

باد وزید.

(کنش‌گر) – (فرایند مادی)

باد شدید کلبه را خراب کرد.

(کنش‌گر) – (کنش‌پذیر) – (فرایند مادی)

دو غیر نظامی در بمب‌گذاری انتحاری کشته شدند.

(کنش‌پذیر) – (شرایط) – (فرایند مادی)

- فرایند ذهنی: فرایندهای ذهنی ناظر به تجربه درونی ما، یا آنچه در ذهن حادث می‌شود، می‌باشد. اجزای بندِ حاوی فرایند ذهنی عبارتند از حس‌گر (Senser) و پدیده (Phenomenon).

او خیال می‌کنه پول می‌تونه همه مشکلات رو حل کنه.

(حس‌گر) – (فرایند ذهنی) (کنش‌گر) – (کنش‌پذیر) – (فرایند مادی)

در مثال فوق کل بند دوم (که به‌تنهایی حاوی فرایند مادی و عناصر آن است) در حکم پدیده فرایند ذهنی (خیال می‌کنه) است.

- فرایند گفتاری: همان‌طور که از نامش پیداست مشارک مطلبی را به زبان می‌آورد. عناصر ملازم این فرایند عبارتند از گوینده (Sayer)، گفتار (Verbiage)، و پدیده (Phenomenon).

مرد قصه تعریف کرد.

(گوینده) – (گفتار) – (فرایند گفتاری)

- فرایند رابطه‌ای: این فرایندها دو کارکرد توصیف و ویژگی‌ها و یا شناسایی ایفا می‌کنند. او خسته شد.

بعضی آدم‌ها توانایی زیادی در قلب واقعیت دارند.

- فرایند رفتاری: این فرایندها به نوعی تلفیقی از فرایند مادی و ذهنی‌اند. به عبارتی، نمود بیرونی حالات ذهنی یا درونی مشارکنند. عنصر اصلی در این فرایندها رفتارگر (Behaver) نامیده می‌شود.

اهل محل زدن زیر خنده.

(رفتارگر) - (فرایند رفتاری)

- فرایند وجودی: عنصر اصلی یک فرایند وجودی، باشنده (Existent) نام دارد.

در زندگی هر فرد چیزهایی هست که نمی‌شه با پول خرید.

(شرایط) - (باشنده) - (فرایند وجودی) (شرایط) - (فرایند مادی/کنش‌گر

مستتر)

در ادامه، توصیف فرایندهای مختلف متن سرمقاله فوق و تبیین کاربرد آنها آمده است. به‌علاوه، انواع شرایط به کار رفته در سرمقاله مشخص شده است. بدین منظور از اشکال مخفف زیر بهره گرفته شده است:

(فرایند مادی: ف. م. / فرایند ذهنی: ف. ذ. / فرایند گفتاری: ف. گ. / فرایند رابطه‌ای: ف. ف.

را. / فرایند رفتاری: ف. رف. / فرایند وجودی: ف. و.)

(ش: شرایط)

"وحشتناک بود (ف. را)." هم نحوه قتل دسته جمعی آن شهروند مظلوم عربستانی توسط رژیم عصر حجری سعودی، هم نحوه واکنش‌ها به این قتل عام. وقتی «جمال خاشقجی» خبرنگار منتقد و هوادار! سعودی به قتل رسید (ف. م.)، واکنش‌ها زیاد بود (ف. را). خیلی زیاد. در پرونده خاشقجی (ش. موضوع) فشارها علیه این رژیم از سراسر دنیا آن قدر زیاد شد (ف. را) که زمزمه برکناری «بن سلمان» ولیعهد سعودی بر سر زبان‌ها افتاد (ف. را). کنگره آمریکا برای حفظ ظاهر هم که شده (ش. علت) جلساتی را علیه سعودی تشکیل داد (ف. م.) اتحادیه اروپا وارد میدان شد (ف. م.) و از آب گل‌آلود، ماهی خود را گرفت (ف. م.). بحث خروج آمریکا از جنگ یمن مطرح شد (ف. گ.) و عده‌ای حتی گفتند (ف. گ.)، بن سلمان با این حماقت (ش. علت) گور خود را کند (ف. م.). پرونده خاشقجی آن قدر برجسته شد (ف. را) که در تاکسی و اتوبوس (ش. موقعیت) هم می‌شد، بحث میان مردم در این باره را شنید (ف. م.)! و برخی از کارشناسان بین‌المللی در

روزنامه‌های شناخته‌شده (ش. موقعیت) نوشتند (ف. م.) ، قتل خاشقجی برای آل سعود گران‌تر از جنگ یمن تمام می‌شود (ف. را.)! (نقل به مضمون).

اگرچه غرب با نیم‌نگاهی به دلارهای سعودی (ش. حالت) و کارکردی که این رژیم برای طرح مقابله با ایران‌شان دارد (ف. را.) ، ضمن «فرسایشی کردن» برخورد با سعودی (ش. همراهی)، پرونده خاشقجی را مشمول «مرور زمان» کرد (ف. م.) و از میزان حساسیت‌ها کاست (ف. م.) تا بن سلمان موقتا نجات پیدا کند (ف. م.) اما، این فشارها و افشاگری‌ها به اندازه‌ای که باید (ش. حد) ، کار خود را کرد (ف. م.) و دست کم (ش. حالت) اصلاحات نمایشی او را که برخی اصلاح‌طلبان در کشور خودمان (ش. موقعیت) آن را بر سر جمهوری اسلامی می‌کوبیدند (ف. م.) «هوا» (ف. م.) و بن سلمان و اصلاح‌طلبان را با هم (ش. همراهی) «رسوا» کرد (ف. م.) ، اما درباره این ۳۷ نفر (ش. موضوع) ، واکنش‌ها آن قدر ضعیف بود (ف. را.) که، مظلومیت آنها را دوچندان کرد (ف. م.) چه در داخل (ش. موقعیت) چه در خارج (ش. موقعیت)!

در مظلومیت این ۳۷ نفر (ش. موضوع) همین بس که تنها، چند رسانه و جریان شیعه در عراق، لبنان، بحرین و... (ش. موقعیت) علیه آن (ش. حالت) موضع گرفتند (ف. م.). حتی موضع دولت خودمان علیه این جنایت «متناسب» نبود (ف. را.). انگار نه انگار ۳۷ انسان در سال ۲۰۱۹ (ش. موقعیت) بلا تشبیه مثل گوسفند (ش. حالت) ردیف (ف. م.) و ذبح شده (ف. م.) و برخی نیز بدون سر (ش. همراهی) به صلیب کشیده شده‌اند (ف. م.). ۳۳ نفر از آنها شیعه بودند (ف. را.). از طلبه بگیر تا دانش‌آموز در میانشان بود (ف. و.). آن‌طور (ش. حالت) که بررسی‌های سی‌ان‌ان نشان می‌دهد (ف. م.) ، محاکمه نمایشی ۲۵ نفر از این شهدا که سال ۲۰۱۶ (ش. موقعیت) برگزار شده (ف. م.) ، بیش از ۳ روز (ش. حد) طول نکشیده است (ف. م.). ۱۱ نفرشان را به ایران (ش. موقعیت) چسبانده‌اند (ف. م.) ، ۱۴ نفرشان را به گروه‌های تروریستی (ش. موقعیت) آن هم صرفا (ش. حالت) به این دلیل که در شهر شیعه‌نشین عوامیه (ش. موقعیت) در راهپیمایی (ش. موقعیت) شرکت کرده بودند (ف. م.). بله درست (ش. حالت) شنیدید (ف. م.) ، در عربستان (ش. موقعیت) ، متحد استراتژیک غرب به خاطر شرکت در راهپیمایی (ش. علت) ، سر می‌برند (ف. م.)! اما همین عربستان در سازمان ملل (ش. موقعیت) می‌شود (ف. را.) ، رئیس یکی از کرسی‌های مهم حقوق بشر! سی‌ان‌ان حتی می‌گوید (ف. گ.) ، اسنادی به دست آورده (ف. م.) که

نشان می‌دهد (ف. م.) ، این عده بلااستثناء (ش. همراهی) شکنجه شده (ف. م.) و وادار به انگشت زدن پای برگه‌ای (ش. موقعیت) شده‌اند (ف. م.) که نمی‌دانستند (ف. ذ.) در آن (ش. موقعیت) چه نوشته شده است (ف. م.)! اعترافات را هم خود شکنجه‌کننده‌ها نوشته بودند (ف. م.)! به گفته مفسر سیاسی این شبکه تلویزیونی (ش. زاویه) «این اقدامات وحشت‌آور، قرون وسطایی و وحشیانه است (ف. را.) ، ما درباره فرقه مرگ داعش (ش. موضوع) صحبت می‌کنیم (ف. گ.) ، اعدام‌هایی که ما در عربستان (ش. موقعیت) می‌بینیم (ف. م.) هیچ فرقی با اعدام‌های داعش ندارد (ف. را.)».

چرا (ش. علت) واکنش‌ها به قتل خاشقچی بیش از حد (ش. حالت) گسترده می‌شود (ف. را.) اما قتل این ۳۷ نفر پررنگ نمی‌شود (ف. را.)؟ چرا (ش. علت) وقتی یک دختر نوجوان خام در ایران (ش. موقعیت) پس از احضار شدن (ش. موقعیت) به خاطر یک حماقت (ش. علت) گریه می‌کند (ف. رف.) ، این همه (ش. حالت) سر و صدا می‌شود (ف. م.) و کنگره آمریکا برای بررسی آن (ش. علت) جلسه تشکیل می‌دهد (ف. م.) اما وقتی مثلاً مصر در یک شب (ش. موقعیت) حکم اعدام ۳۰۰۰ نفر را صادر می‌کند (ف. م.) ، آب از آب تکان نمی‌خورد (ف. م.)؟ راستی این همه مراکز حقوق بشر کجا هستند (ف. م.)؟ چرا (ش. علت) هیچ کس برای بررسی جنایت سعودی‌ها (ش. علت) تشکیل جلسه نمی‌دهد (ف. م.)؟ پاسخ روشن است (ف. را.) بخوانید (ف. م.):

قانون حاکم بر دنیا (ش. موقعیت) ، قانون جنگل است (ف. را.) در چنین دنیایی (ش. موقعیت) هر کس قوی‌تر بود (ف. را.) یا نه قوی نبود (ف. را.) اما پول داشت (ف. را.) ، با قدرت‌ها ارتباط داشت (ف. را.) ، برای قدرت‌ها (ش. علت) نوکری کرد (ف. م.) ، برای ارتکاب هر جنایتی (ش. علت) آزاد است (ف. را.)! ولو بریدن سر ۳۷ انسان بی‌گناه، اعلام رسمی خبر آن و انتشار تصاویر بدن بدون سر و به صلیب کشیده شده آنها!

قدرت‌ها که نویسندگان این قانون هستند (ف. را.) انگار (ش. حالت) ، دو جور قانون نوشته‌اند (ف. م.) . بسته به اینکه چه کسی مرتکب جنایت می‌شود (ف. م.) ، یکی از این قانون‌ها به کار گرفته می‌شود (ف. م.) . به این شکل (ش. حالت) که پس از وقوع اتفاق (ش. موقعیت) (اینجا قتل ۳۷ نفر) ابتدا نگاه می‌کنند (ف. م.) ، عامل جنایت کیست (ف. را.)؟ بعد (ش. موقعیت) تصمیم می‌گیرند (ف. م.) نوع قانون را انتخاب می‌کنند (ف. م.) . اگر متهم متحدشان بود (ف. را.) ، با یک موضع شفاهی (ش. حالت) به غائله خاتمه

می‌دهند (ف. م.). مگر ترامپ نگفت (ف. مگ) بن سلمان گاو شیرده اوست (ف. را.)؟! اروپا هم همین‌طور است (ف. را.) به قراردادهای تجاری که با این گاو شیرده بسته (ف. م.) نگاه می‌کند (ف. م.). مگر وزیر دفاع مستعفی انگلیس سال گذشته (ش. موقعیت) در جلسه پارلمان این کشور (ش. موقعیت) نگفت (ف. گ.)، از وضعیت حقوق بشر عربستان (ش. زاویه) انتقاد نکنید (ف. مگ)، ما به پول این کشور نیاز داریم (ف. را.)!

حال (ش. موقعیت) تصورش را بکنید (ف. ذ.)، در چنین دنیایی (ش. موقعیت) عده‌ای تازه (ش. موقعیت) یادشان می‌افتد (ف. ذ.)، باید بر اساس قوانین و چارچوب‌هایی (ش. زاویه) حرکت کرد (ف. م.) که آنها نوشته‌اند (ف. م.). اسم آن را هم گذاشته‌اند (ف. م.) «عقلانیت» و «چارچوب‌های بین‌الملل». «مخالفان را هم «بی‌سواد» می‌نامند (ف. م.). آیا دشمن با شنیدن چنین مواضعی (ش. موقعیت)، به ریش آنها نمی‌خندد (ف. رف.)؟ البته اگر عوامل آنها نباشند (ف. را.)! پاسخ دیگر در «رسانه» است (ف. را.) رسانه قدرتمند است (ف. را.) و می‌تواند جریان‌سازی کرده (ف. م.) و رژیمی در مختصات سعودی (ش. نقش) را از تکرار چنین جنایاتی پشیمان کند (ف. م.). غرب با استفاده از همین ابزار (ش. حالت) قدرتمند است (ف. را.) که، بزرگ‌ترین جنایت‌ها را مرتکب می‌شود (ف. م.)، میلیون‌ها انسان را در یمن، سوریه، افغانستان ب (ش. موقعیت) ه خاک و خون می‌کشند (ف. م.) اما طوری (ش. حالت) القاء می‌کند (ف. م.) که انگار (ش. حالت)، این مردم و کودکان یمنی هستند (ف. را.) که در حال کشتن نظامیان سعودی هستند (ف. را.)! اگر لازم باشد (ف. را.) علیه جنایتکارها (ش. زاویه) هم وارد شده (ف. م.) پس از گرفتن حق حساب (ش. موقعیت)، با همین ابزار رسانه (ش. حالت) موضوع را فیصله می‌دهند (ف. م.).

چه خوشمان بیاید (ف. ذ.) چه نه، رسانه امروز (ش. موقعیت) در دست دشمن است (ف. را.) به وضعیت رسانه‌ها در داخل کشور (ش. موقعیت) دقت کنید (ف. ذ.) که چگونه شبکه‌های اجتماعی خارجی در کشور (ش. موقعیت) جولان می‌دهند (ف. م.). چگونه از برخی تریبون‌ها (ش. زاویه) همان صدای دشمن بیرون می‌آید (ف. گ.). عده‌ای ساده‌لوح یا مغرض هم با حمله به رسانه‌های خودی یا به طرح‌های بومی‌سازی اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسان داخلی (ش. حالت)، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. (ف. م.) بگذریم (ف. م.)....

غرض اینکه درباره جنایت جدید سعودی‌ها (ش. موضوع) از کشورهای غربی و شرقی (ش. موقعیت) غیرمسلمان انتظاری نیست (ف. و). اما از رسانه‌های داخلی چرا واکنش رسانه‌های داخلی به چنین جنایتی «متناسب» نبود (ف. را)، همین‌طور واکنش مسئولین کشور. (کیهان، مورخ یکشنبه هشت اردیبهشت ۱۳۹۸)

با نگاهی به تحلیل‌گذاری بندهای متن فوق می‌توان دریافت که عمده فرایندهای به کار رفته در آن از نوع فرایندهای مادی و رابطه‌ای است. از مجموع ۱۱۸ فرایند، ۹۹ فرایند از نوع مادی و رابطه‌ای است و از مجموع این دو ۶۴ فرایند شناسایی شده در متن مادی و تقریباً نصف آن یعنی ۳۵ فرایند، رابطه‌ای است.

فرایند مادی بیشتر نشان‌دهنده میزان کنش‌گری افراد و نهادها نسبت به موضوع متن و نوع اعمال و اقداماتی که نسبت به آن کنش‌گر/پذیر نمایانده می‌شوند است. فرایند رابطه‌ای نیز، همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، برای توصیف ویژگی‌ها یا شناسایی کسی یا چیزی به کار می‌رود. در متن فوق عمدتاً شش نوع فرد یا نهاد به تصویر کشیده شده‌اند: هیأت حاکمه عربستان سعودی و در رأس آن بن سلمان، غرب و نهادهای غربی شامل ایالات متحده و اتحادیه اروپا، ۳۷ فعال مذهبی/اجتماعی که توسط نظام سعودی گردن زده شده‌اند، اصلاح‌طلبان و اعتدالیون نزدیک به آن‌ها، قوانین حاکم بر دنیا، و خواننده. نظام سعودی و ولیعهد آن، آن‌گونه که توسط متن نمایانده شده‌اند بیشتر کنش‌گر اقدامات "جنایتکارانه" نظیر اعتراف گرفتن، شکنجه کردن، گردن زدن، ذبح کردن، و ۳۷ شهروند عمدتاً شیعه عربستانی بیشتر به صورت کنش‌پذیر چنین اعمال و اقداماتی ترسیم شده‌اند:

- انگار نه انگار ۳۷ انسان (کنش‌پذیر) در سال ۲۰۱۹ بلاتشبییه مثل گوسفند ردیف (ف. م.) و ذبح شده (ف. م.) و برخی نیز بدون سر به صلیب کشیده شده‌اند (ف. م.).

در بندهای فوق، همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۳۷ نفر اعدامی سعودی نقشی کنش‌پذیر دارند و سعودی (به صورتی مستتر در اینجا که اقداماتش در جای دیگر متن قابل رهگیری و بازیابی است) کنش‌گر فرایندهای مادی "ردیف کردن"، "ذبح کردن"، و "به صلیب کشیدن" معرفی شده است.

"قانون حاکم بر دنیا" عمدتاً در چارچوب و توسط فرایندهای رابطه‌ای توصیف شده و ویژگی‌هایی به آن نسبت داده شده است؛ از جمله در پاراگراف پنج، که قانون جنگل توصیف شده است. هم‌چنین، رسانه‌ها چه داخلی و چه خارجی از طریق فرایندهای رابطه

ای صفاتی هم‌چون بی‌تفاوت بودن به آن‌ها نسبت داده شده است. خواننده اغلب از طریق عناصر فرانش بین‌فردی نظیر آغازگر بین‌فردی برجسته‌نمایی می‌شود. همه فرایندها در نظام گذرایی ممکن است با یک یا چند "شرایط" همراه شوند. شرایط، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، به صورت عبارت قیدی یا عبارت حرف اضافه محقق می‌شود. زیر نظام شرایط، از دید هلیدی و متیسن (۲۰۱۴)، شامل گزینش از میان موارد زیر است:

- حد (فاصله، مدت زمان، بسامد). مثال
او یک هفته تو کوهستان ناپدید شد.
- موقعیت (مکان، زمان). مثال
سربازان بیرون از شهر اتراق کردند.
- حالت (وسیله، کیفیت، مقایسه، میزان). مثال
مریم با سخت کوشی بسیار موفق شد کار پیدا کند.
- علت (دلیل، هدف، نمایندگی). مثال
به خاطر باران شدید پروازها لغو شد.
- اضطراب (شرط، پیش‌فرض، تضاد). مثال
در صورت بروز هر گونه رخدادی، لطفاً خونسردی خود را حفظ کنید.
- همراهی (ملازمت، افزودگی). مثال
بچه‌ها با والدینشان در جشن حاضر شدند.
- نقش (کسوت، محصول). مثال
پس از کسب تجربه به صورت انسان فهمیده و آینده‌نگری در آمد.
- موضوع. مثال
استاد در مورد نظریه جدید یادگیری به تفصیل صحبت کرد.
- زاویه (منبع، نقطه نظر). مثال
این اقدامات به زعم او نتیجه‌ای به بار نمی‌آورند.

بررسی شرایط به کار رفته در متن نشان می‌دهد که بیشترین بسامد کاربرد شرایط به ترتیب به موقعیت (مکانی/زمانی)، حالت، و علت اختصاص یافته است به گونه ای که از مجموع ۷۵ شرایط ۵۸ مورد مربوط به سه شرایط مزبور می‌شود. نوع و میزان کاربرد شرایط موقعیت زمانی/مکانی و حالت از آن جهت حائز اهمیت است که رخداد مورد بحث را در بافت قرار می‌دهد به گونه ای که خواننده ذهنیتی نسبت به بزرگ و بااهمیت بودن آن پیدا کند. اهمیت شرایط علت هم از این روست که در متنی که جنبه اقناع خواننده را دنبال می‌کند ارائه علت‌های این رویداد می‌تواند کمک شایانی به همراه ساختن خواننده با تفکر سیاسی یا تلقی عقیدتی نویسنده متن نماید. کاربرد شرایط زاویه نیز ولو به صورت محدود (۵ مورد) به استدلال‌ات نویسنده مشروعیت می‌بخشد و لازمه متن‌گونه (ژانر) اقناعی است: محاکمه نمایشی ۲۵ نفر از این شهدا که سال ۲۰۱۶ (ش. موقعیت) برگزار شده (ف. م.)، بیش از ۳ روز (ش. حد) طول نکشیده است (ف. م.)، ۱۱ نفرشان را به ایران (ش. موقعیت) چسبانده‌اند (ف. م.)، ۱۴ نفرشان را به گروه‌های تروریستی (ش. موقعیت) آن هم صرفاً (ش. حالت) به این دلیل که در شهر شیعه‌نشین عوامیه (ش. موقعیت) در راهپیمایی (ش. موقعیت) شرکت کرده بودند (ف. م.)، بله درست (ش. حالت) شنیدید (ف. م.)، در عربستان (ش. موقعیت)، متحد استراتژیک غرب به خاطر شرکت در راهپیمایی (ش. علت)، سر می‌برند (ف. م.)! اما همین عربستان در سازمان ملل (ش. موقعیت) می‌شود (ف. را.)، رئیس یکی از کرسی‌های مهم حقوق بشر!

۸. نتیجه‌گیری

مطالعه کنونی برای این که نشان دهد تا چه اندازه و به چه صورت می‌توان از نمونه ابزار و عناصر زبان شناسی نقش‌گرای هلیدی در نمایاندن جهت‌گیری‌های نویسنده متن - اعم از متن شفاهی و کتبی - استفاده نمود، از دو نظام محبوب و پراقبال ساخت آغازگری فرانتش بین‌فردی و نظام گذرایی فرانتش اندیشگانی در کنار زدن لایه‌های عمدتاً پنهان عقیدتی یکی از سرمقاله‌های روزنامه شناخته‌شده کیهان بهره برده است. رویکرد و گرایش سیاسی روزنامه باسابقه مزبور برای بسیاری از ایرانیان چه طرفداران تفکری که آن را نمایندگی و از آن دفاع می‌نماید و چه منتقدان عمدتاً وابسته به جناح مقابل آن شناخته شده و عریان است. با این حال، این که روزنامه در سطح زبانی به چه شکل عمل می‌کند تا مخاطب را

احیاناً با خود هم سو سازد نیازمند ابزاری توصیفی است که آگاهی‌بخشی کند و کنه زوایای پنهان کارکرد گفتمانی آن نشریه را بنمایاند.

در میان رهیافت‌های انتقادی مختلفی که در تحلیل رسانه و اشکال متعدد و تولیدات متنوع آن مورد کاربست واقع شده است (اوت و مک، ۲۰۲۰) رهیافت زبان‌شناسانه و به ویژه گونه‌ی تحلیل انتقادی گفتمان آن، که هم‌سو با پارادایم غالب مدافع‌ای-مشارکتی (کرسول (Creswell)، ۲۰۰۷) در علوم انسانی و اجتماعی است و در واقع به عنوان ابزاری قدرتمند در چارچوب آن عمل می‌کند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنین رویکردی به گفتمان رسانه به طور خاص نتیجه نوعی تغییر در نگرش به زبان است. زبان که زمانی پدیده‌ای خستی و "معصوم" تلقی می‌شد امروزه و به‌ویژه در چارچوب تفکرات غالب پساساختارگرایانه و پسامدرن مقوله‌ای هم‌زمان گفتمان‌ساز و گفتمان‌پذیر شناخته می‌شود؛ بدین معنا که زبان به طور عام و زبان رسانه به طور خاص نه‌تنها ریشه در گفتمان‌های پیدا و پنهان عقیدتی دارد و از آب‌سخور آن تغذیه می‌شود و آن را تبلیغ می‌کند، بلکه خود نیز می‌تواند به ایجاد گفتمان‌های مسلط و حتی به‌حاشیه‌برنده گفتمان‌های رقیب و یا ضعیف بدل شود (هارت و کپ (Hart & Cap)، ۲۰۱۴). مطالعه کنونی به عنوان نمونه‌ای از کاربست چنین رویکردهایی بدون این که قصد تعمیم یافته‌ها به رسانه یا رسانه‌هایی خاص داشته باشد صرفاً کوشیده تا قابلیت‌های بسیار رویکرد زبان‌شناسانه و به‌ویژه ابزار زبان‌شناسی نقش‌گرای هیلیدی را در زدودن لایه‌های عقیدتی مورد استفاده اصحاب رسانه از بعضی موضوعات نشان دهد.

علاقه‌مندان به رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان و ابزار زبان‌شناختی آن، به‌ویژه افرادی که با رسانه‌ها که در زندگی معاصر بسیار فراگیر و ساری و جاری هستند سروکار دارند، می‌توانند با آشنا ساختن خود و تأمل در سایر نظام‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا که نقش معناساز زبان را ایفا می‌کنند از مقاصد پیدا یا پنهان افرادی که به نحوی از انحاء چه در شکل نرم و چه شکل سخت به قدرت دسترسی دارند آگاه شوند و یا آگاهی‌بخش کنند. هم‌چنین مطالعات (مشابه) آتی می‌توانند با کاربست زیرنظام‌های نقش‌گرای پیشنهادی و یا سایر زیرنظام‌های رهیافت مزبور بر روی حجم قابل‌توجهی از داده‌های خاص از رسانه (در هر شکلی از آن) به یافته‌های قابل‌اتکاتر و عمومیت‌بخشی بیشتری دست یابند.

کتابنامه

- آقاگل زاده، ف.، و دهقان، م. (۱۳۹۳). تحلیل شیوه های بازنمایی گزینش خبر، بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. جستارهای زبانی، (۴(۵)، ۱-۱۶.
- آقاگل زاده، ف.، کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع.، و رضویان، ح. (۱۳۹۰). سبک شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقشگرا. سبک شناسی نظم و نثر فارسی. (۴(۱). ۲۴۳-۲۵۴.
- احمدی پور، ز.، حافظ نیا، م.، و جنیدی ر. (۱۳۸۹). گفتمان ژئوپلیتیکی بازنمایی دشمن خیالی. ژئوپولیتیک. (۴(۶). ۴۰-۷.
- پهلوانی، م.، تشکری، م.، و امامی، ن. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل کارکرد صفت در غزل های طنز و حسب حال حافظ بر اساس تیوری ارزیابی نقشگرای هالیدی. شعر پژوهی. 10.22099/jba.2020.36408.3681
- دبیر مقدم، م. (۱۳۸۳). زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: انتشارات سمت.
- رضاپور، ا. (۱۳۹۴). تحلیل انتقادی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی روزنامه های داخلی. پژوهشهای زبان شناسی، (۱(۷). ۴۹-۶۴.
- ستاری، ر.، و حقیقی، م. (۱۳۹۵). بررسی شگردهای ایجاد انسجام در اشعار قیصر امین پور با تکیه بر نظریه زبان شناسی هالیدی. فنون ادبی. (۸(۱). ۱۰۱-۱۱۸.
- قانع، ز.، و رضایی، و. (۱۳۹۷). تناوب مکانی در افعال گذاشتنی زبان فارسی: رویکردی نقشگرا. مجله زبانشناسی و گویش های خراسان. (۹(۱۷). ۱-۱۹.

- Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications.
- Egins, S. (2004). *Introduction to systemic functional linguistics*. A&C Black.
- Halliday, M. A. K., Matthiessen, C. (2014). *An introduction to functional grammar*. Routledge.
- Hart, C., & Cap, P. (Eds.). (2014). *Contemporary critical discourse studies*. Bloomsbury Publishing.
- Kuhn, T. S. (1970). *The structure of scientific revolutions*. University of Chicago press.
- Liang, F., & Shin, D. S. (2019). Uniformity or diversity: Chinese netizens' reactions to language policy through the lenses of critical discourse analysis and systemic functional linguistics. *Critical Inquiry in Language Studies*, 16(3), 205-224.
- Lihua, L. (2009). Discourse construction of social power: interpersonal rhetoric in editorials of the China Daily. *Discourse studies*, 11(1), 59-78.

- Martin, J. R. (2005). Close reading: Functional linguistics as a tool for critical discourse analysis. In L. Unsworth (Ed.), *Researching language in schools and communities: Functional Linguistic Perspectives* (275-303.). London: Continuum.
- Ott, B. L., & Mack, R. L. (2020). *Critical media studies: An introduction*. Hoboken: John Wiley & Sons.
- Flowerdew, J., & Richardson, J. E. (Eds.). (2018). *The Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 2-62). Londres: Routledge.
- Young, L., & Harrison, C. (Eds.). (2004). *Systemic functional linguistics and critical discourse analysis: Studies in social change*. A&C Black.